

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: بری سی
فرستنده: عثمان حیدری
۰۴ اکتوبر ۲۰۱۹

امپریالیسم سبز یا راه حل سوسیالیستی برای بحران اقلیمی



همه ما می‌توانیم ببینیم که بحران اقلیمی نتیجه ناگزیر سرمایه‌داری است. نقش استرالیا در بحران اقلیمی بر روی دو نظام قرار دارد: استعمار و امپریالیسم. اولاً، استرالیا با سوءمدیریت اراضی مصادره شده از جمله صاف کردن زمین، مدیریت ضعیف آب، فعالیت‌های غیرمسئولانه کشاورزی و صنعت استخراج معدن - درگیر استعمار است. ثانیاً، استرالیا با مشارکت در طرح‌های استخراج معدن در خارج که محیط زیست و طبقه کارگر محلی آن‌ها را استثمار می‌کند درگیر امپریالیسم است.

یک «نیو دیل سبز» (Green New Deal) برای استرالیا هیچ‌یک از این مشکلات را حل نخواهد کرد. چرا؟ به دلیل ماهیت اصلاحات اجتماعی «سبز»ی که درباره یک به اصطلاح بهشت انرژی «پاکیزه» برای مراکز شهری، یک پیمان با مردم بومی و «اصلاحات» برای محل کار تبلیغ می‌شود. این در ظاهر عالی به نظر می‌رسد، اما واقعیت در مناطق روستایی استرالیا چیست؟ آیا مردم بومی زمین‌های خود را پس خواهند گرفت؟ چه کسی مالک کار ما خواهد بود و ارزش اضافی ما را به جیب خواهد زد؟ تحت سرمایه‌داری این اصلاحات رادیکال در شکل امپریالیسم سبز جای یک انقلاب سوسیالیستی را می‌گیرند.

این‌که استرالیا تماماً از انرژی «پاکیزه» استفاده کند یعنی چه؟ خوب، اولاً، برای ایجاد آن انرژی پاکیزه شما به فلزاتی مانند آلومینیوم و لیتیوم احتیاج دارید. استرالیا بزرگترین تولید کننده لیتیوم است و بعد از آن چندین کشور در عرض

البلد های جنوب جهان قرار دارند. منبع اولیه آلومینیوم بوکسیت می باشد که در آفریقا، اقیانوسیه و امریکای لاتین فراوان است. استرالیا بزرگترین تولید کننده بوکسیت است و بعد از آن چندین کشور در عرض البلد های جنوب جهان قرار دارند. بنابراین، پرسش من این است: اگر استرالیا بتواند به انرژی ۱۰۰ درصد سبز دست یابد چه کس و زمین چه کسی لطمه خواهد خورد؟

پاسخ، استرالیای روستائی- که سرزمین مردم بومی است- و عرض البلد های جنوب جهان است. استخراج معدن به هزینه مردم بومی هم اکنون با توجه به مورد معدن [گروه] آدانی و استثمار معادن پاپوآی غربی در صدر اخبار قرار دارد.

اراضی مردم بومی در امریکای لاتین نیز برای استخراج لیتیوم و بوکسیت قربانی می شود. به خاطر زندگی «سبز» ایده آل شده، هم طبقه کارگر و هم اراضی مردم بومی، استثمار خواهد شد. استرالیای «سبز» همین طور خواهد بود. برای تولید پهنه های آفتابی، توربین های بادی، و باطری برای ذخیره کردن انرژی، منابع طبیعی غارت خواهند شد و از کار ارزان برای پائین آوردن قیمت ها استفاده خواهد شد. استثمار این منابع و کارگر برای تولید آن ها وسیله هایی برای توجیه هدف سبز خواهند بود.

این در حالی رخ خواهد داد که مردم مراکز شهری استرالیا به خاطر کار خوبی که کرده اند به خود تبریک خواهند گفت. هر موضوع محیط زیستی یا اجتماعی که از انرژی سبز ناشی شود از این مراکز شهری پنهان نگه داشته خواهد شد. درست همان طور که لطمات ناشی از مدیریت آب در استرالیا، در حالی که کارخانه های تصفیه آب پول پارو می کنند، بر دوش شهرک های روستائی مانند دویو در ایالت نیو ساوت ولز، و جوامع مردم بومی مانند خلق بارکینجی، سنگینی می کند.

بنابراین، رامحل بحران اقلیمی در استرالیا رامحلی سه جانبه است. رهبری و مالکیت ابزار این رامحل ضداستعماری و ضدامپریالیستی در دست کارگران است. ما باید در حالی که در سمت یک دولت سوسیالیستی به پیش حرکت می کنیم به مبارزه ضداستعماری و ضدامپریالیستی عمل نمائیم.

استعمارزدائی یعنی بازگرداندن زمین به صاحبان سنتی آن. یک نقطه خوب برای شروع، بازگرداندن همه «زمین های سلطنتی» است (آری به پادشاهی انگلیس!) که ۳۴ درصد اراضی ایالت ویکتوریا را تشکیل می دهد. این همچنین می طلبد که دهقانان، دانشمندان، و کارگران دوش به دوش با صاحبان سنتی برای آموختن مدیریت درست زمین با حداقل تأثیر بر اکوسیستم کار کنند. صاف کردن زمین، نابود کردن جلگه های سیل گیر، ساختن سد، و پرورش بادام و پنبه برای اقلیم یا اقتصاد استرالیا قابل دوام نیست.

ضدامپریالیسم بدین معنی است که سندیگاه ها و طبقه کارگر در همبستگی با طبقه کارگر عرض البلد های جنوب جهان علیه تحریم ها و محاصره های اقتصادی که به مثابه ابزاری برای غارت کار و منابع به کار گرفته می شود، بایستند. این می تواند با ایستادن در همبستگی با سازمان های صلح ضدامپریالیست و جانبداری از انقلاب در برابر رفرم صورت پذیرد!

منبع: گاردین، نشریه حزب کمونیست استرالیا

تارنگاشت عدالت